



نقدِ نامه‌ای نامی

فرهنگ نامه‌ها؛ کتابشناسی، دایرةالمعارف و واژه‌نامه‌ها

○ احسان‌الله شکراللهی

می‌کند.

وی همچنین یکی از وجوه مهم استفاده از فرهنگ نامه‌ها را این دانسته که پژوهشگران و نویسندگان براساس آن می‌توانند دریابند که تاکنون چه نوشته‌ها و مجموعه‌ها و آثاری در دنیا فراهم گردیده و کدام را می‌توانند از زبان‌های دیگر به فارسی ترجمه نمایند.

همان‌گونه که مؤلف محترم نیز تأکید نموده، این اثر بیشتر از جهت کتابشناسی هائز اهمیت است. به ویژه که در معرفی اثری از یک مؤلف که عنوان آن با واژه «نامه» گره خورده است، ضمن معرفی مؤلف به سایر آثار وی نیز اشاره نموده است. افسوس که اسامی این آثار در نمایه‌ای مستقل ثبت نگردیده است.

مؤلف که متولد سال ۱۳۲۰ خورشیدی در خیابان ری تهران است و مراحل مختلف تحصیل، علوم ریاضی، آزمایشگاهی، زبان و ادبیات فرانسه و علوم تربیتی را در ایران و اروپا آموخته، دارای مدرک دکتری است و از سال ۱۳۷۱ در زمینه‌های زبان و واژگان پارسی تلاش ویژه‌ای را آغاز نموده و نخستین رئیس هیأت مدیره «انجمن پاسداری و پالایش زبان پارسی» در ایران است.

وی که انگیزه تألیف این اثر را زنده نگاه داشتن نام یکی از بستگان ذکر نموده، در صفحه تقدیم، اثرش را به «بزرگترین «پهلوان نامه نگار» گیتی و آبر دلآور روزگاران سرواد و سرایندگی، دارنده شاهنامه سترگ و گرانمایه و والاگهر» تقدیم داشته است.

همانگونه که از عبارت مزبور برمی‌آید مؤلف به سره‌نویسی گرایش خاصی داشته و این گرایش در سرتاسر فرهنگ نامه‌ها مشهود است. وی در پیش‌کش نامه پیش گفتار، پس گفتار، و متن فرهنگ نامه‌ها تا آنجا که در توان داشته از واژگان ناب

○ ضیاءالدین هاجری، فرهنگ نامه‌ها، چاپ اول، تهران: به‌آفرین، ۱۳۷۹، ۲ جلد (۱۲۸۸ ص) فارسی، وزیری، گالینگور

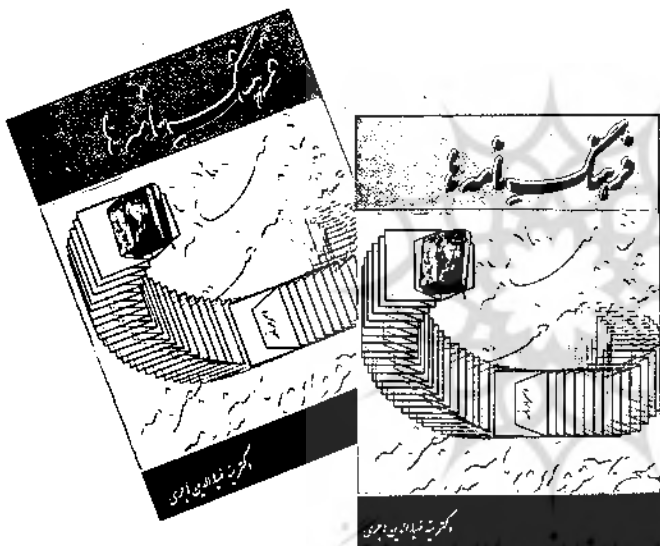
«پس دانایان که نامه خواهند ساختن، ایژون سزد که هفت چیز به جای آورند مهرنامه را، یکی بنیادنامه، یکی فر نامه، سدیگر هنرنامه چهارم نام خداوند نامه، پنجم مایه و اندازه سخن پیوستن، ششم نشان دادن از دانش آنکس که نامه از بهر لوست، هفتم درهای هر سخنی نگاه داشتن».

مقدمه شاهنامه ابومنصوری تحریر ۳۴۶ هـ. ق

«فرهنگ نامه‌ها» یا نامه‌نامه که آن را می‌توان از جهتی یک کتابشناسی نامید، از نگاهی دایرةالمعارف خواند و از نظرگاهی واژه‌نامه دانست، در نوع خود اثری منحصر به فر داشت. تألیفی است ارزنده از دکتر سیدضیاءالدین هاجری، که مؤلف در آن تلاش نموده همه آنچه را به نوعی با واژه «نامه» ارتباط پیدا می‌کند، معرفی و پیرامون آن توضیح ارائه نماید. این فرهنگ که به روش معمول، ترتیب الفبایی دارد با مدخل «آخرت نامه» آغاز و به مدخل «یو به نامه» ختم می‌شود.

مؤلف خود مخاطبان اثرش را گروه‌های مختلف از جمله «دانش‌آموزان، دانشجویان، آموزگاران، فرهنگیان، دبیران، استادان، نویسندگان، برگرداندندگان (مترجمان) فراهم آورندگان، گردآورندگان، روزنامه‌نگاران، داستان‌سرایان، سرایندگان، پژوهشگران، دانشمندان، دانش‌پژوهان، شناسایان و همه کسانی که به دانش و فرهنگ و پیشرفت و دگرگونی شهرنشینی و بالندگی و ولایی این مرز و بوم نگرش و گرایش دارند» معرفی

این اثر بیشتر از جهت کتابشناسی حائز اهمیت است. به ویژه که در معرفی اثری از یک مؤلف که عنوان آن با واژه «نامه» گره خورده است، ضمن معرفی مؤلف به سایر آثار وی نیز اشاره نموده است



و سره فارسی هرچند نامانوس و نا آشنا سود جسته است. واژگانی از قبیل: کامه، سرواد، دهگان، لودر، افدر، جایستا، آبیژگه، ماتیکان، کراسه، بنگان، اسال، هازمان، کدیور، ساستاری، برهون، فرمدار، رُخنه، پُشتار، راستاد، مزگته سائیز و فرآمد.

وی که به گفته خود «چندگاهی است با شور و انگیزه‌های فراوان در زمینه واژه و واژه‌یابی و واژه‌شناسی و واژه‌گزاری و واژه‌سازی سخت می‌کوشد و کامه‌اش این است که نشان دهد زبان پارسی تواناست و نیازی به هیچ زبان بیگانه ندارد»، در پس گفتار فرهنگ‌نامه‌ها می‌نویسد: «چندبار که این فرهنگ را برای بررسی و بازخوانی دریافت نمودم، در پنداره‌ام گذشت، تا آنجا که می‌شود و در توان دارم و به چاپ یادمان که نویسه چینی شده آسیبی نزنند، پاره‌یی واژه‌هایش را به پارسی‌ناب و سره درآورم، که این کار را هم با یاری خدا انجام دادم و برای برگیری و انشر یافت هرچه بهتر آن، یک واژه‌نامه هم در پایان نامی ماتیکان یاد شده افزودم».

این تغییر عبارات که مؤلف به آن اشاره نموده است به متن عبارات مأخذ اثر نیز سرایت کرده و برای استفاده‌کننده این سؤال پیش می‌آید که آیا در متن اصلی همین واژگان به کار رفته یا واژگان دیگری؟

در انتهای این اثر ارزنده علاوه بر واژه‌نامه مذکور، نمایه‌مدخل‌ها و نمایه‌اسامی اشخاص نیز اضافه گردیده تا امکان بهره‌گیری بیشتری فراهم شود. فایده اصلی نمایه‌مدخل‌ها این است که استفاده‌کننده مجبور نمی‌شود برای یافتن مدخل موردنظرش و اطمینان از بودن آن، صفحات زیادی را تورق نماید، اما هنوز جای یک افسوس باقی است که این نمایه صفحه شمار ندارد و همچنان

بخشی از زحمت جست‌وجو را برای بهره‌گیرنده باقی می‌گذارد.

در این فرهنگ آنجا که از یک نویسنده آثار متعددی با عناوینی که در آنها واژه «نامه» بکار رفته وجود داشته، همه آن آثار ذیل نخستین آنها از جهت ترتیب الفبایی معرفی گردیده، آنگاه در محل الفبایی آن آثار به مدخل مزبور ارجاع داده شده است. به عنوان مثال آثار ناصر خسرو با عناوین: آفاق‌نامه، روشنایی نامه، سعادتنامه، همه ذیل آفاق‌نامه آمده، همچنین آثار گوته با عناوین: آنت‌نامه، پارسی‌نامه، تیمورنامه، حافظ نامه، حکمت‌نامه، خلدنامه، رنج‌نامه، زلیخانامه، ساقی‌نامه، عشق‌نامه، مثل‌نامه و معنی‌نامه، همه ذیل آنت‌نامه معرفی شده‌اند.

در این فرهنگ منابع مورد استفاده در ذیل هر مدخل آمده است، اما مؤلف محترم از ارائه فهرست این منابع که

این فرهنگ بسیار مفید که در طول یک دهه فراهم آمده است لازم است روزآمد شود و آخرین اطلاعات مربوط به هر مدخل به آن اضافه گردد

نقد و نظر:

نخست اینکه توضیحات مدخل‌ها یکسان نیست. به عنوان نمونه توضیح مدخل «نامه‌های تیرباران شده‌ها» یا توضیح مدخل «آخرین نامه‌های محکومان به مرگ» که محتوای نزدیک به هم دارند - بسیار متفاوت است. این هر دو اثر به فارسی ترجمه شده‌اند و با اینکه به نظر می‌رسد مدخل نخست اهمیت کمتری داشته باشد توضیحی مفصل برای آن ارائه گردیده و در مورد مدخل دیگر تنها به نام مؤلفان و مترجم بسنده شده و حتی تاریخ انتشار متن اصلی و ترجمه نیامده است.

نکته دیگر این که این فرهنگ بسیار مفید که در طول یک دهه فراهم آمده است لازم است روزآمد شود و آخرین اطلاعات مربوط به هر مدخل به آن اضافه گردد به عنوان مثال اگر صفحه نخست این فرهنگ را از نظر بگذرانیم عنوان چندی از آثار مرحوم مهدی اخوان ثالث را در فهرست آثارش نمی‌یابیم از جمله: نقیضه و نقیضه سازان (۱۳۲۴)، درخت پیر و جنگل مرد جن زده (۱۳۲۲)، آنگاه پس از تندر (منتخب هفت دفتر شعر) (۱۳۲۸)، منظومه بلند سواحلی و خوزیات (۱۳۸۱) و بالاخره نامی و نامهای از مهدی اخوان ثالث (۱۳۸۱)، به غیر از صدای حیرت بیدار (مجموعه گفت‌وگوها) که آن هم در سال ۱۳۷۱ منتشر گردیده است. اما آخرین سخن اشاره به خلاصه فرهنگ در بخش مدخل هاست که خود به چند بخش قابل تقسیم است:

الف. آثار مستقل خطی که ذکری از آنها در «فرهنگ نامه‌ها» نشده از جمله:

- سفرنامه شاهزاده السالطیکوف، از سیدعبدالله بن سیدعلی اکبر مقنی
- حوادث نامه، اثر محمدرضی تبریزی
- مسافرت نامه ابراهیم صحابباشی

می‌توانست قدر و بهای این فرهنگ را بیشتر نشان دهد صرفنظر نموده است که البته شاید علت این مسئله اصرار وی به کم کردن حجم اثر باشد.

وی خود می‌نویسد برای تنظیم این فرهنگ دو میلیون صفحه از منابع گوناگون فارسی و غیرفارسی را تورتق نموده و از این میان، چهل هزار صفحه مطلب استخراج نموده بود که به دلیل مشکلات چاپ، طی چند مرحله به حدود دو هزار صفحه کاهش یافت و در نهایت پس از حروفچینی بدون در نظر گرفتن مقدمه و مؤخره و واژه‌نامه و نمایه در یک هزار صفحه به چاپ رسید.

در فرهنگ نامه‌ها مانند همه فرهنگ‌های الفبایی خوب اولین و آخرین مدخل هر صفحه در بالای آن صفحه آمده است تا به بازیابی سریع کمک کند.

در نگارش نام‌های خارجی در این فرهنگ به ویژه نام‌های فرانسه به فارسی، تلاش شده تا «یونس طبعی زبان مادر حفظ شود. به عنوان نمونه واژه "Augustin" درست به گویش فرانسوی آن آگوستن آمده نه آگوستین که در فارسی رایج است.

پس از ذکر پرمحتوایی و ارزشمندی این اثر که آقای دکتر هاجری یک تنه از پس آن برآمده‌اند جا دارد به بخشی از خلاصه‌های آن نیز علاوه بر آنچه اشاره شد پرداخته شود. همانگونه که ایشان خود می‌نویسند آباچه کردن این‌گونه فرهنگ‌ها بزرگ و پربزرگ از یک تن تنها ساخته نیست به خاطر همین یک تنه وارد میدان شدن خواه ناخواه کاستی‌هایی در آن راه خواهد یافته ایشان همچنین خواست‌اند که نقطه نظرات را بشنوند تا انشاءالله در چاپ‌های بعدی مدنظر قرار دهند. البته اشاره به این کاستی‌ها به هیچ‌وجه از ارزش‌های فراوان این فرهنگ گرانقدر نمی‌کاهد. بلکه شاید تنها گستره کار را بیشتر نشان می‌دهد.

- روزنامه خروج و دخول افراد به باغ شاهی
 - سوقان نامه از عبدالله فریدی
 - سفرنامه چمن سلطانیه از قلی میرزا ملقب به ملک
 آراء متخلص به رضوان
 - پادشهر نامه گزین، از محمدتقی طبیب کاشانی
 - گلنامه دارا
 - دیوانه معینی
 - پهلوی نامه ناصری از وقار شیرازی
 - سفرنامه سومترا / میرزا عیسی خان گروسی
 - ترجمه چندروزنامه هندی از سیدحسن شیرازی
 - حلاجنامه احمدی
 - کل نامه
 - ترجمه هجونامه ناپلئون از منوچهر بن عمادالدوله
 - اشترنامه محمدحسین بن محمد حسن شیرازی
 - زرتشت نامه ملامحمدباقر پنهیدی
 - شاهنامه محمدصادق نفرشی متخلص به صادق
 - شهنامه چنگیزی، از شمس‌الدین گیلانی
 - خرس نامه اثر غلامحسین میزبان ملک ایرج میرزا
 - سیب نامه یا تفاحه اثر کاشانی
 - خیزی نامه یا خیریه اثر نایی آفندی
 - یعسوب نامه اثر میرزا محمد حفیظ
 - فال نامه علی‌علی‌السلام
 - خوبی نامه
 - بهجت نامه اثر میرزا طاهر اصفهانی
 - بصیرت نامه ترجمه عبدالرزاق دنبلی
 و بسیاری از نامه‌ها و سفرنامه‌های مهم دیگر مثل
 توبه نامه سیدعلی محمدباقر و نامه امام خمینی به
 گورباچف و نامه تاریخی استاد مطهری به امام خمینی
 ب. آثار چاپی که در فرهنگ‌نامه‌ها نیامده است، از جمله:
 - نادرنامه اثر محمدحسین قدسی. - مشهد: انجمن
 آثار ملی خراسان، ۱۳۳۹
 - نادرنامه اثر محمد شفیع تهرانی «وارد» به اهتمام
 رضا شعبانی، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی،
 ۱۳۶۹.
 - اسکندرنامه، روایت فارسی گالستان دروگان.
 پرداخته میان قرن ۶-۸ هجری. به کوشش ایرج افشار،
 تهران، انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۳۴.
 - اسکندرنامه کبیر: کتاب هفت جلدی امیر
 صاحب‌قران، اسکندر ذوالقرنین، تهران: کتابفروشی و
 چاپخانه محمدعلی.
 - ظفرنامه شاهزاده محمدحسین میرزا، امیرالشعراء
 نادری. به تصحیح عبدالجواد طالقانی، مشهد: کتابخانه

ملی، ۱۳۴۶.
 - بابا طاهرنامه، تألیف پرویز ادکایی، تهران: توس،
 ۱۳۷۵.
 - خطای نامه: شرح مشاهدات سیدعلی‌اکبر خطایی،
 معاصر شاه‌اسماعیل صفوی در سرزمین چین. به کوشش
 ایرج افشار. تهران: مرکز اسناد فرهنگی آسیا، ۱۳۷۲.
 - بصیرت نامه، نوشته یوداس تادئوس کروسنیکسی،
 ترجمه عبدالرزاق دنبلی، به کوشش یدالله قائدی، مقدمه به
 قلم محمداسماعیل رضوانی. تهران: آناهیتا [بی‌تاریخ]
 - نامه جاویدان هوردل «ناطق حق»، از محمدصادق
 هوردل. ۱۳۷۳
 - فتوت نامه‌هایی غیر از آنچه در فرهنگ آمده: از
 شهاب‌الدین سهروردی، علی بن یوسف کرکهری،
 فتوت نامه چیت‌سازان و آهنگران. ص ۹
 - قانون نامه ابگار (کهنترین قانون کیفری ایران).
 - بندگی نامه. محمداقبال لاهوری، شرح بشیراحمد،
 حواشی و ترجمه محمد ماکان. تهران: ماکان، ۱۳۶۸. و
 بسیاری از یادنامه‌ها و ارج نامه‌ها و جشن نامه‌ها و
 واژه‌نامه‌ها و دستورنامه چاپ شده.
 ج. نشریات ایرانی و فارسی از جمله:
 نامه کانون نویسندگان ایران، نامه پارسی، نامه
 بهارستان، نامه انجمن کتابداران، ایران نامه، نامه استان
 قدس رضوی، نامه انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، نامه
 فرهنگ ایران، اخبار نامه قلمی، عاصری نامه، نامه نور، نامه
 فرهنگ و...
 د. معانی و نمونه کاربرد برخی ترکیبات زیبا که نامه
 ساخته شده: مثل: نامه تعزیت، نامه هجر، نامه بی‌جواب،
 فکر نامه خود کردن، نشان نامه، نامه به کسی نمودن،
 بهارنامه، نامه به عرض کسی رساندن، مهر نامه برداشتن،
 نامه عیب کسی بر خواندن، نشر نامه، نامه قتل، نامه آغاز
 کردن، نامه به عنوان رساندن، طی شدن نامه جوانی، نامه
 پیچیده، از نامه کسی گذشتن، ثبت و روی نامه، نامه در
 رخنه مانده، نامه واگرده، نامه ننوشته و صنعا ترکیب زیبای
 دیگر که در ادبیات غنی فارسی به کار رفته است.
 در پایان یک‌بار دیگر ضمن تأکید بر ارزش والای
 «فرهنگ نامه‌ها» خدمت آقای دکتر هاجری خسته نباشید
 عرض کرده برای ایشان آرزوی سلامتی، توفیق روزافزون
 و ادامه فعالیت پربار علمی نموده، در آستانه طلوع فجر به
 بیتی از حافظ سخن را کوتاه می‌کنم.

شب وصل است و طی شد نامه هجر
 سلام فیه حتی مطلع الفجر